

باز کاوی حکم قرائت سوره عزیمه در نماز از منظر فقه مذاهب اسلامی

محمد امامی *

سید مهدی نقیبی **

محمد مهدی یزدانی ***

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۷]

چکیده

یکی از واجبات نماز، قرائت است که به اتفاق تمام مذاهب اسلامی، خواندن سوره حمد واجب است. بعد از قرائت فاتحه، قرائت سوره‌های دیگر از قرآن لازم است که این مطلب از چند جهت مورد اختلاف فقها است. یکی لزوم قرائت سوره‌ای کامل یا امکان اکتفا به چند آیه و دیگر جواز قرائت سوره دارای سجده واجب. این جستار بر اساس روایات پیامبر اکرم (ص) و روایات اهل بیت (ع) به مطالعه مسئله دوم یعنی جواز قرائت سوره سجده‌دار (عزیمه) در نماز واجب پرداخته است. در این مقاله پس از مفهوم‌شناسی سوره و عزیمه، به شیوه کتابخانه‌ای اقوال مختلف در زمینه جواز قرائت سوره عزیمه در نماز مطرح و تحلیل و بررسی می‌شود و در پایان دیدگاه نویسندگان، که حرام نبودن قرائت سوره عزیمه در نمازهای واجب است، با توجه به روایات و دیگر دلایل مطرح خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: ، قرائت، سوره، عزیمه، سجده.

* دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد (نویسنده مسئول).

Dr.Imami@razavi.ac.ir

** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد. sm.naghobi@razavi.ac.ir

*** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد. yazdani@razavi.ac.ir

مقدمه

یکی از پرسش‌هایی که برای نمازگزاران مسجدالحرام و مسجدالنبی مطرح می‌شود، این است که آیا خواندن سوره سجده بعد از حمد در نماز یومیه جایز است یا موجب اخلال در آن می‌شود؛ چراکه گاه در این دو مسجد بعد از سوره حمد، سوره سجده قرائت می‌شود. در این باره باید گفت قرائت از واجبات نماز است (علامه حلی، بی‌تا: ۳۸/۱؛ فخرالمحققین، ۱۳۷۸: ۱۰۷/۱؛ نووی، بی‌تا: ۳۳۰/۳؛ رافعی، بی‌تا: ۳۱۱/۳) که فقهای امامیه (علامه حلی، ۱۴۱۴: ۱۱۴/۱) و بیشتر اهل سنت (نووی، بی‌تا: ۳۲۷/۳) بر وجوب آن اتفاق نظر دارند و شرط صحت نماز است؛ گرچه بر اساس نص (کلینی، ۱۳۸۸: ۳۴۷/۳) و فتوا ترک سهوی آن باطل‌کننده نماز نمی‌باشد (فخرالمحققین، ۱۳۷۸: ۱۰۷/۱).

در مورد وجوب قرائت سوره حمد در رکعت اول و دوم، چند دلیل وجود دارد (کلینی، ۱۳۸۸: ۳۴۷/۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۳: ۷۳۲/۴؛ محقق حلی، بی‌تا: ۲، ۳۴۹؛ بخاری، ۱۴۰۱: ۱۸۴/۱؛ مسلم بن حجاج نیشابوری، بی‌تا: ۹/۲؛ احمد بن حنبل، بی‌تا: ۳۲۲/۵). بعد از فاتحه، قرائت سوره‌ای دیگر از قرآن لازم است که فقها از چند جهت در این مطلب با هم اختلاف نظر دارند. نخست آنکه آیا بعد از حمد باید سوره‌ای کامل خوانده شود یا خواندن بخشی از آن کافی است؟ در این زمینه دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. شافعیان، مالکیان و حنبلیان آن را مستحب می‌دانند (شافعی، محمد بن ادریس، ۱۴۰۳: ۱۳۱/۱؛ بهوتی، ۱۴۱۸: ۴۱۰/۱؛ نووی، بی‌تا: ۳۸۵/۳ و ۳۵۰/۱). بعضی از حنفیان نیز خواندن سوره بعد از حمد را واجب تخییری می‌دانند (کاشانی، ۱۴۰۹: ۱۶۰/۱؛ جزیری، بی‌تا: ۲۵۴/۱) و بعضی خواندن حمد و سوره کامل را واجب می‌شمارند (سمرقندی، ۱۴۱۴: ۱۲۹/۱).

در بین فقهای امامیه، مشهور (علامه حلی، ۱۳۳۳: ۲۷۲/۱؛ شهید اول، ۱۴۱۴: ۳۳؛ فاضل هندی، ۱۴۰۵: ۲۱۵/۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۴: ۳۸۴/۳؛ خمینی، بی‌تا: ۱۶۵/۱) آن را واجب می‌دانند؛ در حالی که به نظر برخی از فقها (عاملی، ۱۴۱۰: ۳۴۷/۳) خواندن سوره کامل واجب نیست (ر.ک: امامی، ۱۳۸۶: ۲۵).

مسئله‌ای دیگر در مورد قرائت که در این مقاله بررسی شده، این است که آیا در نماز واجب قرائت سوره عظیمه جایز است یا خیر؟ و بر فرض جایز نبودن، آیا خواندن آن موجب باطل شدن نماز است یا خیر؟

بررسی این مسئله، ضمن مطالعه یک موضوع فقهی با نگاهی نو به شیوه تحلیلی - کتابخانه‌ای بر مبنای منابع اسلامی، دربردارنده طرح و بررسی دیدگاه مذاهب مختلف به‌ویژه بر اساس مشترکات است.

لازم یادآوری شود این اختلاف در مورد نماز واجب است و در نمازهای نافله، همه آن را جایز می‌دانند و محل بحث این مقاله نیست. در این جستار پس از تعریف سوره و عزیمه و طرح دیدگاه‌های مختلف، دلایل قائلان به جواز و نیز عدم جواز قرائت سوره عزیمه در نماز بیان شده و در نهایت نویسندگان نظر خود را بر مبنای استدلال به کتاب، سنت و دیگر مستندات فقهی بیان می‌کنند.

مفهوم‌شناسی

قبل از ورود به بحث و طرح دیدگاه‌ها و دلایل هر یک از آنها، به مفهوم‌شناسی دو واژه سوره و عزیمه پرداخته می‌شود.

مفهوم‌شناسی سوره

درباره معنای لغوی و منشأ اشتقاق کلمه «سوره» نظرها مختلف است. بعضی آن را از سور به معنی حصار دانسته‌اند. در زبان عربی به حصار که دور شهر کشیده می‌شد و شهر را در داخل خود جای می‌داد و بر تمام آن احاطه داشت، سور می‌گفتند. «سور البلد» دیوار بلندی بود که دور شهر کشیده می‌شد. گویا آیات هر سوره قرآن، داخل حصاری قرار گرفته و به همین دلیل به آن سوره می‌گویند. برخی نیز «سوره» را از سوار، به معنی دستواره دانسته‌اند؛ چون سوره قرآن همچون دستواره‌ای، آیاتی از آن را احاطه کرده است. در این مورد نظریه‌های دیگری نیز وجود دارد (حجتی، ۱۳۷۲: ۸۳).

سوره در اصطلاح به معنی «بخشی از آیات قرآن می‌باشد که دارای آغاز و انجامی است» (حجتی، ۱۳۷۲: ۸۴). بعضی نیز گفته‌اند: «سوره بخشی از آیات قرآنی است که میان دو بسم الله قرار دارد» (سیوطی، بی‌تا: ۹۰/۱)؛ به هر حال دو تعریف بالا قابل جمع‌اند و مفهوم دقیق آن در این جستار از اهمیت چندانی برخوردار نیست؛ زیرا منظور فقها از سوره، کاملاً روشن است.

مفهوم‌شناسی عزیمه

عزیمه در لغت به معنای قصد و تصمیم است و هنگامی که انسان مصمم به انجام کاری است، می‌گویند عزم دارد (طریحی، ۱۴۰۸: ۱۷۵/۳). عزم هم به معنای اراده و تصمیم است و هم به معنای عزیمه و شریعت و مراد از «أُولُوا الْعَزْمِ»، پیامبران صاحب شریعت‌اند (قرائتی، ۱۳۸۴: ۵۲/۹). سوره عزیمه را به این نام نامیده‌اند، زیرا سجده آنها فریضه و لازم شده است. طریحی می‌نویسد: «و عزائم السجود فرائضه اللتی فرض الله تعالی السجود فیها» (طریحی، ۱۴۰۸: ۱۷۶/۳)؛ چنان‌که فرایض الهی، به واجبات بدون شک و شبهه الهی گفته می‌شود. برخی نیز عزیمه را به معین تعویذ دانسته‌اند (زیبیدی، ۱۳۸۹: ۴۷۷/۱۷)؛ چه اینکه با قرائت این سوره‌ها انسان عزم خود را جزم می‌کند که بر شیطان غلبه کند. برخی نیز درباره وجه نامگذاری سوره‌های عزائم گفته‌اند: «و عزائم القرآن: الایات التی یقرأ بها علی ذوی الآفات لما یرجى من البرء بها: عزائم قرآن آیاتی است که با خواندن آنها امید غلبه کردن و افسون کردن عوامل شر و آفت‌زا وجود دارد» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۶۳/۱؛ طوسی، ۱۴۰۹: ۲۳۵/۲).

تحریر محل نزاع

جایز بودن یا نبودن قرائت سوره عزیمه در نماز در دو فرض قابل تصور است و موضوع این مقاله یکی از آنها است؛ اما به علت ارتباط آنها با یکدیگر و اینکه در نصوص گاه حکم آنها با هم بیان شده، طرح آنها لازم به نظر می‌رسد که عبارت‌اند از: حکم قرائت سوره دارای آیه سجده در نماز نافله و نماز فریضه. فقهای مذاهب مختلف اسلامی در این مورد اختلافاتی دارند. افزون بر آن در مورد اینکه آیا باید سجده آن را در بین نماز به‌جا آوریم یا صبر کنیم و بعد از اتمام نماز آن را انجام دهیم، اختلاف است.

آرا و ادله فقهای اهل سنت

در بین فقهای و مذاهب اهل سنت در مورد قرائت سوره سجده در نماز چند نظریه وجود دارد:

دیدگاه منع

برخی از فقهای مذاهب در برخی نمازها یا در شرایط خاصی، از خواندن آیه سجده در نماز منع کرده یا آن را حرام و حتی موجب باطل شدن نماز دانسته‌اند؛ مثلاً اگرچه دیدگاه کلی ابوحنیفه در مورد قرائت سوره سجده در نماز کراهت است، به نظر می‌رسد در نمازهای آهسته (سریه) نظر او منع از قرائت این آیات باشد. بی‌هیچ‌ی از او نقل کرده است که در صورت قرائت آیه سجده در نماز آهسته، نمازگزار نباید سجده کند. به این مطلب اشکال شده است که ابوحنیفه سجده تلاوت را واجب می‌داند؛ بنابراین نسبت دادن قول به عدم وجوب سجده به وی، در تقابل با نظر اوست و نباید درست باشد؛ اما اگر بگوییم که به نظر او اصلاً نباید آیه سجده در نماز آهسته قرائت شود، حرف درستی گفته‌ایم؛ چنان‌که این برداشت را برخی از علمای اهل سنت نیز داشته‌اند (ر.ک: عینی، بی‌تا: ۱۱۰/۱۱). ابن حبیب نیز در نماز جماعت آهسته، امام را از قرائت سوره سجده نهی کرده است (همان: ۱۰۹/۱۱). بعضی از شافعیان نیز گویند: «اگر قرائت آیه سجده در نماز فقط به قصد سجود یا در وقت کراهت باشد، این قرائت حرام است و موجب بطلان نماز نیز می‌شود» (ملیاری هندی، ۱۴۱۸: ۲۴۶/۱).

دیدگاه کراهت

بسیاری از فقهای اهل سنت قائل به کراهت قرائت سوره سجده در نمازند. این فقها به چند دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول کسانی‌اند که قرائت کل سوره سجده را در نماز مکروه می‌دانند. گروه دیگری از فقهای اهل سنت بر این عقیده‌اند که قرائت سوره سجده با حذف آیه سجده مکروه است؛ یعنی اگر سوره را قرائت کنیم، اما آیه سجده را رها کنیم، مرتکب عمل مکروه شده‌ایم. برخی از فقهای مذاهب قرائت حتی یک آیه از سوره سجده را در نماز مکروه دانسته‌اند، گرچه آن آیه، آیه سجده نباشد. نظر دیگر آن است که فقط قرائت آیه سجده مکروه است؛ به این معنا که خواه همراه با بقیه آیات سوره خوانده شود یا به صورت تنها. در مقابل این نظر، عده‌ای کراهت را فقط منحصر کرده‌اند به اینکه آیه سجده به تنهایی در نماز خوانده شود و فرد بقیه سوره را قرائت نکند و بالأخره بر اساس آخرین نظر، فقط قرائت موضع سجده از آیه در نماز مکروه است.

همچنین برخی فقها قائل به تفصیل شده، بین نماز آهسته و غیر آهسته فرق گذاشته‌اند. برخی هم فقط در خصوص امام جماعت، قائل به کراهت شده‌اند. توضیح بیشتر درباره هر یک از این نظرها با نقل قائلان به هر قول در ادامه بیان خواهد شد. گفتنی است همه فقهای صاحب دیدگاه بالا با این دقت مطلب را بررسی نکرده‌اند و به طور کلی قرائت سوره سجده را مکروه شمرده‌اند که ما سخن آنان را حمل بر کراهت قرائت کل سوره می‌کنیم.

الف) کراهت قرائت کل سوره

برخی از فقهای اهل سنت ترک قرائت این نوع سوره‌ها را در نماز در دستور کار خود قرار داده و آن را مکروه شمرده‌اند. از آن جمله است ابوحنیفه پیشوای مذهب حنفیان که در نمازهای آهسته سوره سجده نمی‌خوانده و در دیگر موارد هم آیه سجده را قرائت نمی‌کرده است (ر.ک: عینی، بی‌تا: ۱۰۹/۷). ابن حنبل پیشوای حنابله نیز بر همین نظریه بوده است (ابن قدامه، بی‌تا: ۶۵۴/۱). برخی از مالکیان (نووی، بی‌تا: ۷۲/۴) مانند ابن حاجب (ابن حاجب، ۲۰۰۰: ۱۳۶/۱) و آبی ازهری (آبی ازهری، بی‌تا: ۲۱۹/۱) همین نظریه را انتخاب کرده و آن را به مشهور نسبت داده‌اند.

ب) کراهت قرائت سوره سجده و ترک آیه سجده

برخی از فقها گفته‌اند اگر نمازگزار سوره‌های سجده را در نماز قرائت، ولی آیات سجده را از آنها حذف کند تا مجبور به انجام سجده در نماز نشود، کار مکروهی انجام داده است (کاشانی، ۱۴۰۹: ۱۹۲/۱).

از نظر حنبلیان نیز حذف کردن آیات سجده و قرائت سوره بدون آیات سجده امر مکروهی شمرده شده است (ابن قدامه، بی‌تا: ۱۶۰/۱).

ج) کراهت قرائت آیه‌ای از سوره سجده

حذف آیه سجده در قرائت نماز که در فرض قبل بیان شد، دو صورت دارد. گاهی آیه سجده حذف و بقیه آیات تماماً خوانده می‌شود که مقصود در آنجا همین فرض بود و حکمش بیان شد؛ اما احتمال دیگری نیز قابل تصور است و آن اینکه همانند فرض قبل،

از خواندن آیه سجده در قرائت خودداری شود؛ ولی به قرائت یک یا چند آیه از سوره عزیمه اکتفا شود. از اطلاق سخن این گروه از فقیهان، می‌توان کراهت این قرائت را نیز نتیجه گرفت (همان).

د) کراهت قرائت آیه سجده (چه به تنهایی چه به ضمیمه آیات دیگر)

مالکیان قرائت آیه سجده در نماز را مکروه می‌دانند (آبی ازهری، بی‌تا: ۲۱۹؛ ابوالبرکات، بی‌تا: ۳۱۰/۱؛ عربی قروی، بی‌تا: ۱۰۵/۱؛ عبدری، ۱۳۹۸: ۶۴/۲).

ه) کراهت قرائت آیه سجده به تنهایی

مالکیان قرائت آیه سجده در نماز را مکروه می‌دانند. این کراهت هم در صورتی است که با بقیه آیات آن سوره یا آیاتی دیگر از قرآن باشد یا قرائت آیه سجده به تنهایی باشد. به نظر آنان، علاوه بر کراهت گفته شده، قرائت آیه سجده به تنهایی نیز خود امر مکروه دیگری است (عربی قروی، بی‌تا: ۱۰۵/۱). در کتاب *المدونه الکبری* آمده است مالک مکروه می‌دانست که انسان فقط آیه سجده را قرائت کند، بدون آنکه قبل یا بعد از آن، مقداری قرآن تلاوت کند (امام مالک، بی‌تا: ۱۱۱/۱).

ابن قدامه از این کار تعبیر به «اختصار سجود» کرده و آن را مکروه دانسته است. وی توضیح می‌دهد اگر نمازگزار آیات سجده را از سوره جدا کند و به قرائت آنها در نماز اکتفا کند، مکروه است. دیگرانی نیز همچون شعبی، نخعی، حسن و اسحاق این کار را مکروه شمرده‌اند (ر.ک: ابن‌قدامه، بی‌تا: ج: ۶۵۴/۱). ابن‌قدامه می‌گوید به نظر حنبلیان جمع کردن کل آیات سجده به تنهایی در یک رکعت مکروه است (ابن‌قدامه، بی‌تا: ۱۶۰/۱).

و) قرائت فقط موضع سجده از آیه سجده

گروهی از مالکیان بر این نظرند که فقط خواندن موضع سجده از آیه سجده در نماز مکروه است. مفهوم این سخن آنان آن است که اگر آیه سجده در نماز با حذف فقط همان موضع سجده قرائت شود، کراهت ندارد (عبدری، ۱۳۹۸: ۶۴/۲).

در مجموع می‌توان گفت نظر مشهور فقهای اهل سنت این است که خواندن آیه سجده در نمازها اعم از جهری و اخفاتی مکروه است (ابن‌حاجب، ۲۰۰۰: ۵۶/۱).

دلیل دیدگاه کراهت قرائت سوره سجده:

دلیل کسانی که این نظریه را پذیرفته‌اند، این است که بر اثر وجوب انجام سجده برای قرائت آیه سجده‌دار، نمازگزار دچار اشکال افزودن سجده در نماز یا ترک سجده واجب قرآن خواهد شد؛ زیرا اگر سوره سجده‌دار تلاوت کند یا باید سجده قرائت به جا آورد و منجر به افزودن سجده در نماز شود که در نتیجه نمازش باطل خواهد شد (حطاب رعینی، ۱۴۱۶: ۳۶۲/۲) یا اینکه باید از انجام آن اجتناب و سجده واجب را ترک کند که در این صورت جزو کسانی خواهد بود که خداوند در آیه شریفه «و اذا قرئ علیهم القرآن لایسجدون» آنان را ملامت کرده است (دسوقی، بی‌تا: ۳۱۰/۱) و هر یک از این دو محذور را که مرتکب شود، نامطلوب است (عیینی، بی‌تا: ۱۰۹/۷).

دلیل کراهت حذف آیه سجده از قرائت:

این گروه سه دلیل برای ادعای خود بیان کرده‌اند:

۱. حذف آیه سجده از سوره نظم و تألیف قرآن را به هم می‌زند و ما مأموریم که نظم و تألیف آیات قرآن را به هم نزنیم و در آن تغییری ایجان نکنیم: «فاذا قرأناه فاتبع قرآنه ای تالیفه».
۲. حذف آیه سجده از سوره، در واقع فرار از عبادت به حساب می‌آید که آن هم مکروه است.
۳. ترک قرائت آیه سجده، دوری از بخشی از قرآن که همان آیه سجده باشد، به شمار می‌رود و ما منع شده‌ایم از اینکه قرآن را مهجور قرار دهیم (کاشانی، ۱۴۰۹: ۱۹۲/۱). برخی از فقها نظر ابوحنیفه را به صورت دیگری نقل کرده‌اند که در واقع نوعی تفصیل در دیدگاه کراهت به شمار می‌رود. به عقیده آنان ابوحنیفه قرائت سوره سجده در نمازهای آهسته را مکروه و در نمازهای بلند را بدون اشکال دانسته است (نووی، بی‌تا: ۷۲/۴).

دیدگاه عدم کراهت

در برابر دیدگاه کراهت، نظر شافعی قرار دارد که خواندن آیه سجده در نماز را مکروه نمی‌داند (کاشانی، ۱۴۰۹: ۱۹۲/۱؛ نووی، بی‌تا: ۷۲/۴). شافعیان در این حکم فرقی بین

نمازهای آهسته و بلند قائل نیستند و از نظر آنان خواندن آیه سجده در نماز اشکالی ندارد (نووی، بی تا: ۷۲/۴). در همین راستا گفته شده است که «اگر قرائت آیه سجده در نماز تنها به قصد سجده نباشد و هدفش قرائت نماز باشد، هر چند بالتبع سجده را نیز انجام دهد، در این صورت نه تنها حرام نیست، بلکه حتی کراهت نیز ندارد» (ملیباری هندی، ۱۴۱۸: ۲۴۶/۱).

دلیل مشروعیت قرائت

دلیل این قول روایاتی است که ابی هریره، ابن عباس و ابن مسعود نقل کرده‌اند. در این روایات آمده است پیامبر اکرم در نمازهای مختلف، به ویژه در نماز صبح جمعه، سوره سجده را قرائت می کرد (ابن قدامه، بی تا ج: ۶۴۸/۱). مثلاً بکیر بن ابی رابع نقل می کند پشت سر ابوهریره نماز عشا را خواندم که سوره «اذا السماء انشقت» را تلاوت کرد. بعد از نماز سؤال کردم یا ابوهریره این چه بود؟ گفت من پشت سر رسول خدا سجده انجام داده‌ام؛ از این رو من همواره این کار را انجام می دهم (ابن حنبل، بی تا: ۲۲۹/۲).

نقد و بررسی جواز

روایت بالا دارای اضطراب عبارتی است و مشخص نیست آیا رسول خدا در نماز این سجده را انجام داده یا خارج از نماز. توضیح آن این است که همین سند در روایت تمیمی آمده و در آن عبارت «خلف رسول الله» وجود ندارد. ابورافع گوید: «رئیت اباهریره یسجد فی اذا السماء انشقت، قال قلت: تسجد فیها؟ قال رئیت خلیلی صلی الله علیه و آله وسلم یسجد فیها فلا ازال اسجد فیها حتی القاه» (ابن حنبل، بی تا: ۶۶۷/۲؛ مسلم، بی تا: ۸۹/۲). در برخی از نسخه‌ها نیز به نظر می رسد خود ابوهریره سجده کرده است نه پیامبر. مثلاً ابورافع می گوید: «صلیت مع ابی هریره العتمة فقرئ اذا السماء انشقت فسجد. فقلت له. قال: سجدت خلف ابی القاسم صلی الله علیه و آله وسلم، فلا ازال اسجد فیها حتی القاه» (بخاری، ۱۴۰۱: ۱۸۶/۱). شاهد بر این مطلب عبارت نووی در المجموع است که وی نیز این عمل را به خود ابوهریره نسبت می دهد (نووی، بی تا: ۶۳/۴).

دیدگاه مرجوحیت ترک قرائت آیه سجده (استحباب قرائت آن)

گفته شده است کراهتی که مالکیان در مورد قرائت آیه سجده در نماز بدان قائل‌اند، مطلق نیست و ناظر به شرایط خاصی است و در صورت تغییر شرایط و برای شخص واجد شرایط و در وقت مجاز، حکم فوق‌نه تنها از کراهت به عدم کراهت تغییر می‌کند، بلکه حتی دارای رجحان هم می‌شود و ترک آن مرجوح واقع می‌شود (عربی قروی، بی‌تا: ۱۰۵/۱).

پرسشی که مطرح می‌شود این است که اگر هر کدام از دیدگاه‌های بالا را بپذیریم، به جز دیدگاهی که قائل به بطلان نماز در صورت قرائت آیه سجده بود، در صورت قرائت آیه سجده، نمازگزار چه وظیفه‌ای دارد؟ چند دیدگاه در این باره وجود دارد. عده‌ای قائل به وجوب سجده در بین نمازند. عده‌ای قائل به تخییر بین سجده یا اکتفا به رکوع نماز به جای سجده‌اند و عده‌ای دیگر معتقدند در وسط نماز سجده تلاوت ساقط می‌شود. گروهی بین مسافر و غیرمسافر و گروه دیگری بین سواره و پیاده تفصیل داده‌اند. با توجه به اینکه این مبحث گسترده است و مجال دیگری می‌طلبد، فقط به دو دیدگاه اشاره‌ای گذرا می‌شود و به همین مقدار اکتفا می‌کنیم (نووی، بی‌تا: ۷۲/۴؛ آبی ازهری، بی‌تا: ۲۱۹؛ ابوالبرکات، بی‌تا: ۳۱۰/۱؛ حصفکی، ۱۴۱۵: ۱۱۸/۲).

دیدگاه تخییر در سجده در صورت قرائت

بسیاری بر آن‌اند که هرچند قرائت سوره سجده در نماز مکروه است، اگر خوانده شود، فرد مخیر است برای آن سجده کند یا سجده را رها کند و با انجام رکوع، به نماز خود ادامه دهد (ابن‌قدمه، بی‌تا: ۶۵۴/۱). در کتاب *بدائع الصنائع* قول تخییر به ابوحنیفه نسبت داده شده است (کاشانی، ۱۴۰۹: ۱۸۹/۱).

دلیل تخییر در انجام سجده

دلیل تخییر روایتی است که نقل می‌کند خلیفه دوم در نماز صبح سوره النجم را قرائت کرد و سجده به جا آورد؛ اما در هفته بعد سوره را قرائت کرد و سجده نکرد و سپس به مردم گفت: «انها لم تکتب علینا الا ان نشاء» (عینی، بی‌تا: ۱۱۱/۷).

دیدگاه لزوم انجام سجده در بین نماز

نظر برخی این است که چنانچه انسان در بین نماز، سوره سجده‌دار تلاوت کند، سجده را باید به جا آورد (همو). به نظر ماوردی که از شافعیان است بعد از تلاوت آیه سجده، باید سجده انجام شود (ماوردی، بی تا: ۶۶۹/۲). عبدالله بن قدامه نیز بر همین نظریه است (ابن قدامه، بی تا ج: ۶۵۴/۱).

برخی از علمای حنفی انجام دادن این سجده در نماز را به صورت مضیق واجب می دانند؛ زیرا وجوب آن به این است که یکی از افعال نماز است و به سبب قرائت واجب شده است؛ پس ملحق به افعال نماز می شود و جزئی از اجزای نماز به شمار می رود و به همین جهت باید در نماز به جا آورده شود و موجب وارد آمدن نقصی بر نماز نخواهد شد (کاشانی، ۱۴۰۹: ۱۸۰/۱؛ ابن نجیم، ۱۴۱۸: ۲۱۱/۲).

دلیل دیدگاه لزوم انجام سجده

در استدلال برای این مطلب که سجده اضافی در وسط نماز موجب بطلان نماز نمی شود، گفته شده است: این سجده، سجده اصلی نماز نیست که با تکبیر الاحرام برای هر رکعت دو سجده واجب می شود و کم و زیاد کردن آن در صحت نماز خلل به وجود می آورد، بلکه سبب آن تلاوت آیه سجده است و انجام دادن آن اشکالی در صحت نماز به وجود نمی آورد (مرغینانی، ۱۴۲۴: ۹۶/۲).

البته باید توجه داشت که اگر کسی این واجب غیر اصلی در نماز را که به سبب عارضی بر نمازگزار واجب شده است، ترک کند و آن را انجام ندهد تا نمازش تمام شود، دیگر وجوب سجده از بین می رود و لازم نیست آن را انجام دهد؛ هر چند معصیت کرده است (سمرقندی، ۱۴۱۴: ۱۱۳/۱). دلیل آنان روایتی است که از پیامبر نقل شده است و می گوید ایشان در نماز ظهر سوره سجده‌دار تلاوت کرد و سجده را انجام داد (ابن قدامه، بی تا ج: ۶۵۴/۱).

آرا و ادله فقهای امامیه

علمای امامیه، خواندن سوره سجده‌دار را در نماز نافله جایز می دانند؛ ولی در مورد نماز واجب، بین علما اختلاف نظر وجود دارد:

۱. عدم جواز: این نظر، سخن مشهور امامیه است. هرچند علامه حلی در تذکره به شیخ طوسی نسبت داده است که ایشان قائل به جواز قرائت عزیمه در نماز و سقوط سجده است (علامه حلی، ۱۴۱۴: ۱۴۶۳)، شیخ طوسی در نهایت می‌نویسد: «و یقرأ الانسان فی الفریضه ای سوره شاء سوی العزائم الاربع فانه لایقرئها فی الفریضه علی حال: انسان در نماز فریضه، هر سوره‌ای را که مایل باشد، به جز سوره‌های عزیمه می‌خواند؛ اما آن سوره‌های چهارگانه عزیمه را به هیچ عنوان نباید بخواند» (طوسی، بی‌تا: ۷۷).

۲. عدم جواز و صحت نماز در صورت قرائت: از قائلان به این نظریه می‌توان از صاحب جواهر نام برد (نجفی، ۱۳۶۵: ۳۴۶/۹). امام خمینی نیز صراحتاً می‌گوید خواندن سوره عزیمه در نماز جایز نیست^۱ (خمینی، بی‌تا: ۱۶۵/۱).

۳. جواز همراه با کراهت: برخی دیگر قائل به کراهت قرائت‌اند، نه حرمت یا بطلان نماز. محقق حلی پس از ادله دو قول می‌نویسد: «أنا ان قلنا بوجوب سوره مضافتاً الی الحمد و حرمانا الزیاده لزم المنع من قرائه سوره العزائم و ان اجزنا أحدهما لم نمنع ذلك اذا لم یقرأ موضع السجود: اگر قائل به وجوب یک سوره کامل بعد از حمد شویم و زیاده بر یک سوره را نیز حرام بدانیم، باید قرائت سوره عزیمه را حرام بدانیم؛ اما اگر یکی از این دو را جایز بدانیم، [یعنی بگوییم خواندن یک سوره کامل بعد از حمد لازم نیست یا بگوییم خواندن بیش از یک سوره بعد از فاتحه جایز است]، در این صورت خواندن سوره سجده جایز است، مشروط به اینکه آیه سجده آن را نخوانیم» (محقق حلی، ۱۳۶۴: ۱۷۶/۲). ابن جنید نیز بنا بر نقل محقق قائل به جواز آن شده و گفته است: «اگر در نافله سوره عزیمه بخوانیم، سجده آن را به جا می‌آوریم و اگر در نماز فریضه باشد، با اشاره سجده را انجام می‌دهیم و بعد از اتمام نماز یک بار دیگر آیه سجده را قرائت کرده و سجده آن را انجام می‌دهیم» (محقق حلی، ۱۳۶۴: ۱۷۵/۲).

محقق اردبیلی نیز می‌نویسد حرمت خواندن سوره عزیمه، حکمی روشن و قطعی نیست، مگر اینکه بگوییم در نماز باید سوره کامل خوانده شود و نیز بگوییم جمع بین دو سوره در یک رکعت حرام است و از طرف دیگر قائل به فوریت وجوب سجده برای تلاوت آیه سجده شویم، و اگر یکی از این امور سه‌گانه را نپذیریم، طبیعتاً باید بگوییم خواندن سوره عزیمه اشکال ندارد و در نماز خللی ایجاد نمی‌کند (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۲۳۲/۲).

امام خمینی با وجود حکم به عدم جواز در نماز واجب می‌نویسد اگر از روی فراموشی آن را شروع کند یا در حال نماز آن را گوش کند، برای سجده واجب اشاره می‌کند و پس از نماز، سجده را انجام می‌دهد؛ سپس می‌فرماید: «وَأَنَّ كَانِ الْأَقْوَى جَوَازِ الْاِكْتِفَا بِالْاِيْمَاءِ فِي الصَّلَاةِ وَ جَوَازِ الْاِكْتِفَا بِالسُّورَةِ» (خمینی، بی‌تا: ۱۷۵/۱)؛ یعنی اقوی جواز اکتفا به اشاره در نماز و نیز اکتفا به همان سوره است؛ البته از نظر فقهای شیعه این جواز همراه با کراهت است. اکنون به بررسی ادله این سه قول می‌پردازیم.

ادله حرمت قرائت سوره عزیمه

فقهایی که قائل به حرمت قرائت سوره سجده در نماز واجب شده‌اند، به سنت، عقل و اجماع تمسک کرده‌اند که در ادامه، این ادله و نقد آنها می‌آید.

۱. استدلال به سنت

دلیل اول حرمت قرائت سوره سجده در نماز، روایاتی است که از ائمه (ع) نقل شده است. در این روایات از این کار نهی شده است:

۱. ابن بکیر می‌گوید: «قَالَ لَا تَقْرَأْ فِي الْمَكْتُوبَةِ شَيْءٍ مِنَ الْعَزَائِمِ فَإِنَّ السُّجُودَ زِيَادَةٌ فِي الْمَكْتُوبَةِ» (کلینی، ۱۳۸۸: ۳۱۸/۳).

۲. روایه سماعه: «قَالَ مَنْ قَرَأَ اقْرَأَ بِسْمِ رَبِّكَ فَادَا خْتَمَ فَلْيَسْجُدْ (الِي ان قَالَ) وَ لَا تَقْرَأْ فِي الْفَرِيضَةِ اقْرَأْ فِي التَّطَوُّعِ» (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۷۷۹/۴).

۳. روایت دیگر سماعه: «قَالَ مَنْ قَرَأَ اقْرَأَ بِاسْمِ رَبِّكَ فَادَا خْتَمَهَا فَلْيَسْجُدْ فَادَا قَامَ فَيَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ لِيَرْكَعَ قَالَ وَ اِذَا ابْتَلَيْتَ بِهَا مَعَ اِمَامٍ لَا يَسْجُدُ فَيَجْزِيكَ الْاِيْمَاءُ وَ الرَّكُوعُ ... مَنْ قَرَأَ بِاسْمِ رَبِّكَ فَادَا خْتَمَهَا فَلْيَسْجُدْ وَ لَا تَقْرَأْ فِي الْفَرِيضَةِ اقْرَأْ فِي التَّطَوُّعِ» (طوسی، ۱۳۶۵: ۲۱۹/۱).

نقد استدلال به سنت

۱. بررسی سندی روایات: این روایات از نظر سندی ضعیف‌اند؛ زیرا در سند روایت اول قاسم بن عروه قرار دارد که مجهول است^۲ (عاملی، ۱۴۱۰: ۳۵۲/۳). ابن بکیر نیز ضعیف

است^۳ (محقق حلی، ۱۳۶۴: ۱۷۵/۲) و دو روایت دیگر را سماعه از عثمان بن عیسی نقل می‌کند. هم سماعه (شهید ثانی، بی‌تا: ۲۶۶) و هم عثمان بن عیسی فتحی مذهب‌اند. هرچند بسیاری از علما فتحی بودن را موجب خدشه در راوی نمی‌دانند، بعضی از علما (عاملی، ۱۴۱۰: ۳۵۹/۳) روایت آنان را قبول ندارند. گذشته از این، همان‌گونه که محقق اردبیلی مطرح می‌کند (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۲۳۲/۲)، سماعه جمله‌ای را که می‌گوید، به معصوم (ع) اسناد نداده است و معلوم نیست سخن چه کسی است.

۲. تعارض این روایات با ادله دال بر جواز که به آنها اشاره خواهد شد. پس این روایات با صرف نظر از شهرت فتوایی، نمی‌توانند دال بر عدم جواز قرائت سوره عزیمه در نماز باشند؛ زیرا این روایات برای اثبات حرمت آن کافی نیستند. محقق نراقی می‌نویسد: «به خاطر ضعف ادله حرمت است که کلام بعضی از متأخرین اشعار به جواز دارد» (نراقی، ۱۴۱۵: ۱۰۰/۵). فاضل هندی نیز روایات دال بر حرمت را ضعیف دانسته و عمده دلیل برای حرمت را فتوهای فقها شمرده است (فاضل هندی، ۱۴۰۵: ۱۱/۴).

صاحب مدارک الاحکام می‌گوید: «و الحق ان الروایات الواردة بالمنع ضعیفه جداً فلا یمكن التعلق بها فان ثبت بطلان الصلاه بوقوع هذه السجده فی اثنائها وجب القول بالمنع من قراءة ما یوجبه من هذه السور ... و أن لم یثبت بطلانها بذلک كما هو الظاهر اتجه القول بالجواز مطلقاً: حق این است که روایات دال بر منع، ضعیف هستند و نمی‌توان به آنها تمسک کرد. پس اگر بتوانیم بطلان نماز را با استفاده از این نکته، که افزودن سجده مبطل است، ثابت کنیم، می‌توان قائل به منع شد وگرنه قول به جواز را چنان‌که ظاهر روایات است، باید پذیرفت» (عاملی، ۱۴۱۰: ۳۵۳/۳).

۲. استدلال به عقل

قرائت سوره عزیمه در نماز مستلزم یکی از دو محذور است: الف) ترک سجده واجب عزیمه که حرام است؛ ب) افزایش یک سجده در نماز، که آن هم حرام و مبطل نماز است (شهید اول، ۱۴۱۹: ۳۲۲/۶؛ عاملی، ۱۴۱۰: ۳۵۲/۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۴: ۱۴۵/۳)؛ چنان‌که امام باقر یا صادق (ع) در حدیث زراره می‌فرماید: «لا تقرأ فی المكتوبه بشئی من العزائم فانَّ السُّجُودَ زیاده فی المكتوبه» (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۷۷۹/۴).

نقد استدلال به عقل

این دلیل مترتب بر سه مقدمه است که ناتمامی هر یک از این سه، برای ثابت نشدن حرمت کافی است. این سه مقدمه عبارت‌اند از:

الف) واجب دانستن یک سوره کامل بعد از حمد: اگر خواندن یک سوره کامل را واجب ندانیم (ر.ک: عاملی، ۱۴۱۰: ۳/۳۴۷)، می‌توانیم بگوییم خواندن سوره سجده، جایز است و عبارت سجده را نمی‌خوانیم. در روایت عمار ساباطی نیز بدین مطلب تصریح شده است؛ چه آنکه امام در پاسخ به سؤال در مورد کسی که در نماز، سوره سجده قرائت کند، می‌فرماید اگر بخواند، محل سجده را نخواند و اگر بخواند آن سوره را رها کند و سوره‌ای دیگر شروع کند (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۴/۷۷۹).

ب) فوری دانستن سجده برای آیات سجده: اگر وجوب سجده را فوری ندانیم، می‌توانیم سجده عزیمه را بعد از نماز انجام دهیم تا زیاده در نماز به وجود نیاید. این نظریه نیز طرفدارانی دارد (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۲/۲۳۲)؛ مثلاً ممکن است گفته شود وجوب فوری سجده در جایی است که مانع و ضرورتی وجود نداشته باشد و در صورت وجود مانع و ضرورت، سجده فوریت ندارد و مانع شرعی هم همانند مانع عقلی است؛ زیرا از انجام سجده در وسط نماز نهی شده‌ایم؛ پس فوریت سجده ساقط می‌شود و حکم به صحت نماز می‌کنیم (نراقی، ۱۴۱۵: ۵/۱۰۰).

ج) مبطل دانستن زیادی سجده در بین نماز: هرچند این سجده به نیت نماز نیست و به قصد ادای سجده قرائت سوره عزیمه است، باطل‌کننده نماز است. قرائتی نیز در روایات وجود دارد و جهت بطلان و نهی را همان زیادی در نماز برشمرده‌اند. مانند روایت ابن‌بکیر که امام می‌فرماید: «فان السجود زیادة فی المكتوبة» (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۴/۷۷۹).

تمام این مقدمات قابل‌خنده است؛ چنان‌که صاحب مدارک به این مطلب اذعان کرده است (عاملی، ۱۴۱۰: ۳/۳۵۱)؛ زیرا ممکن است فقهی قائل به واجب نبودن قرائت سوره کامل بعد از حمد شود، مانند ابن‌جنید، سلار، شیخ طوسی در نهاییه و محقق حلی در معتبر و منتهی (عاملی، ۱۴۱۰: ۳/۳۴۷؛ فاضل هندی، ۱۴۰۵: ۱/۲۳۱؛ شیخ طوسی، بی‌تا: ۷۶). پس خواندن سوره سجده و نخواندن عبارت سجده، موجب بطلان نماز نیست (ر.ک:

امامی، ۱۳۸۵: ۲۱-۴۰). در روایت عمار نیز به این مطلب اشاره شده است؛ آنجا که از امام صادق(ع) درباره کسی که سوره سجده را در نمازش خوانده است، سؤال شد و حضرت فرمود: «اِذَا بَلَغَ مَوْضِعَ السَّجْدَةِ فَلَا يَقْرَأُهَا وَ اِنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْجِعَ فَيَقْرَأُ سُورَةَ غَيْرِهَا وَ يَدْعُ الَّتِي فِيهَا السَّجْدَةُ فَيَرْجِعُ اِلَيْ غَيْرِهَا» (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۷۷۹/۴). امام(ع) دستور فرمود عبارت سجده را رها کند و اگر مایل باشد، آن سوره را رها کرده، سوره دیگر شروع کند.

در مورد مقدمه دوم نیز ممکن است گفته شود، سجده قرآن در این صورت فوری نیست و چون مشغول انجام واجب دیگر هستیم، می‌توانیم آن را تا پایان نماز به تأخیر اندازیم (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۲۳۲/۲) یا ممکن است وجوب فوری سجده در جایی باشد که مانع و ضرورتی وجود نداشته باشد و خلافی نیست که در صورت وجود مانع و ضرورت، سجده فوریت ندارد، و از آنجا که از انجام دادن سجده در وسط نماز نهی شده است، فوریت سجده ساقط می‌شود و حکم به صحت نماز می‌کنیم (نراقی، ۱۴۱۵: ۱۰۰/۵). برخی مانند مالک، امام اهل سنت، به دلیل اینکه نباید در بین نماز چیزی اضافه شود، سجده عزیمه را ساقط می‌دانند (رعینی، ۱۹۹۵: ۳۶۱/۲).

همچنین ممکن است سجده را با اشاره انجام دهیم (خویی، ۱۴۱۰: ۳۴۲/۳؛ روحانی، ۱۳۱۳: ۴۵۳/۴؛ حائری، ۱۳۶۲: ۱۶۵؛ فاضل هندی، ۱۴۰۵: ۱۱/۴). شهید اول، علامه حلی و محقق حلی قول به جواز قرائت سوره عزیمه در نماز و با اشاره انجام دادن سجده را به ابن جنید نسبت داده‌اند (شهید اول، ۱۴۱۹: ۳۲۳/۳؛ علامه حلی، ۱۳۳۳: ۲۷۶/۱؛ محقق حلی، ۱۳۶۴: ۱۷۵/۲). شهید ثانی ضمن نسبت دادن قول جواز به ابن جنید، آن را بعید نمی‌داند (شهید ثانی، بی‌تا: ۲۶۶).

حتی اگر بگوییم انجام دادن سجده فوری است، باز می‌توان گفت اگر کسی سوره سجده را خواند و سجده آن را انجام نداد، نمازش باطل نیست، بلکه این شخص به جهت تاخیر انداختن در انجام سجده که واجب فوری است گناه کرده است و نماز او هنوز امر دارد، اگرچه به صورت ترتب (روحانی، ۱۳۱۳: ۴۵۳/۴)؛ یعنی وی کار حرامی انجام داده است؛ اما نماز او صحیح است (نجفی، ۱۳۶۵: ۳۴۶/۹).

مقدمه سوم نیز جای خدشه دارد؛ چه اینکه ممکن است گفته شود افزودن سجده‌ای که به قصد جزئیت نماز خوانده شود، مبطل نماز و حرام است؛ در حالی که این سجده به قصد جزئیت خوانده نشده است، بلکه به قصد سجده قرآن انجام شده و این انجام وظیفه است نه اخلال به وظیفه؛ همان‌گونه که در نماز جماعت اضافه‌شدن یک رکوع به قصد تبعیت از امام مخل و مبطل نیست. اشکالی که بر این خدشه ممکن است وارد شود، این است که این سجده به نماز ارتباط دارد؛ زیرا این سجده برای سوره قرآنی است که جزو نماز بوده است؛ پس این سجده نیز جزء نماز محسوب می‌شود. گذشته از این، انجام سجده در نماز خود یک عمل اضافی و مبطل نماز است؛ البته این اشکال هم شاید وارد نباشد؛ زیرا حرمت عمل اضافی در نماز، بسا شامل خواندن قرآن و سجده مربوط به قرآن نباشد.

صاحب‌جواهر گرچه معتقد به حرمت خواندن سوره عزیمه در نمازهای واجب است، در صورت وقوع، نماز را باطل نمی‌داند (نجفی، ۱۳۶۵: ۳۴۳/۹). وی معتقد است آنچه از روایات برداشت می‌شود این است که فقط زیادی رکعات و رکوعات نماز را باطل می‌کند نه مطلق زیادی؛ بنابراین زیادی سجده تحت شمول آن نصوص قرار نمی‌گیرد و با توجه به حدیث «لاتعاد»، باعث بطلان نماز نمی‌شود؛ به علاوه بر فرض که نصوص بالا شامل سجده هم بشود، در صورتی موجب بطلان نماز می‌شود که به عنوان جزئی از نماز آورده شود. همچنین از دیدگاه ایشان ظاهر این نصوص مطلق است و در حکم مذکور، فرقی بین عمد و فراموشی وجود ندارد (نجفی، ۱۳۶۵: ۳۴۶/۹).

۳. استدلال به اجماع

برخی از فقها بر عدم جواز قرائت سوره سجده‌دار ادعای اجماع کرده‌اند؛ مثلاً علامه حلی می‌نویسد: «لا يجوز أن يقرأ في الفريضة شيئاً من العزائم الأربع عند علمائنا أجمع» (علامه حلی، ۱۴۱۴: ۱۴۶/۳؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۱۰/۴).

نقد استدلال به اجماع

در نقد این استدلال باید گفت بعضی از فقها مانند محقق حلی و محقق اردبیلی با این نظر مخالف‌اند. افزون بر اینکه این اجماع، اجماع منقول است؛ چراکه این اجماع،

مدرکی است و مستند فتوای اجماع‌کنندگان همین روایات موجود است یا دست‌کم احتمال دارد مستند آنان همین روایات باشد؛ بنابراین چنین اجماعی حجیت ندارد (ر.ک: خوبی، ۱۴۱۹: ۲۹۵/۴؛ حکیم، ۱۴۳۲: ۴۳۸/۴؛ آل‌شیخ راضی، ۱۴۲۵: ۲۱۴/۵)؛ زیرا چنین اجماعی کاشفیت قطعی از نظر امام(ع) ندارد. در این صورت مجتهد خود باید به بررسی آن دلیل بپردازد و ملاک، برداشت خود او از آن دلیل است، نه این اجماع (ر.ک: موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱: ۳۲۹/۲؛ حکیم، ۱۴۳۲: ۳۵۵؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۳۰: ۲۷۲/۳).

ادله نظریه جواز

در نظریه جواز قرائت سوره سجده‌دار، به اطلاق آیه قرآن و روایات استدلال شده است. در ادامه، این دو دلیل و نقد آنها می‌آید.

۱. اطلاق آیه قرآن

آیه «فَاقْرَؤْا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ» (مزمّل: ۲۰) اطلاق دارد و شامل تمام بخش‌های قرآن می‌شود. بر این اساس، تمام سوره‌ها و آیات قرآن را می‌توان در نماز خواند، مگر موردی که با دلیل معتبر تخصیص خورده و جایز نبودن آن ثابت شود.

ممکن است گفته شود اطلاق این آیه با احادیث دال بر عدم جواز، تقیید خورده است و نمی‌توان به این اطلاق تمسک کرد. در نقد این اشکال باید گفت با توجه به اشکال‌هایی که به روایات منع وارد شده است، این روایات ناتمام‌اند و نمی‌توانند به عنوان مقید برای آیات قرآن به کار گرفته شوند.

۲. روایات دال بر جواز

روایات متعددی وجود دارد که بر جواز دلالت دارند که بعضی از آنها صحیح‌اند:

۱. صحیح‌ه حلبی: از امام صادق(ع) سؤال شد آیا در بین نماز در آخر سوره سجده باید سجده کرد. حضرت فرمود: «بِسَجْدٍ ثُمَّ يَقُومُ فَيَقْرَأُ فَاتَّحَهُ الْكِتَابَ ثُمَّ يَرْكَعُ وَيَسْجُدُ» (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۷۷۷/۴). این روایت ظهور در صحت نماز دارد.

۲. روایت وهب: از امام صادق(ع) از پدر آن حضرت، از امام علی(ع) نقل شده است: «اذا كان آخر السورة السجده اجزأك أن تركع بها» (همان). امام علی(ع) می فرماید: رکوع را انجام دهید و به نماز ادامه دهید و این نیز ظهور در صحت دارد.

۳. صحیح محمد: از امام صادق یا باقر(ع) در مورد کسی سؤال شد که سوره سجده را در نماز خوانده و انجام سجده را فراموش کرده، تا اینکه رکوع و سجود نماز را انجام داده است. حضرت می فرماید: «يسجد إذا ذكر إذا كانت من العزائم» (همان: ۷۷۸/۴). این روایت هیچ اشاره‌ای به بطلان نماز یا جایز نبودن خواندن سوره عزیمه ندارد.

۴. صحیح علی بن جعفر: «سألته عن امام يقرأ السجده فحدث قبل أن يسجد كيف يصنع؟ قال: يقدم غيره فيسجد و يسجدون و ينصرف و قدتت الصلاة» (همان: ۷۸۰/۴). شاید اشکال شود این روایت در مورد اقتدا به امام جماعتی است که قائل به جواز قرائت سوره سجده است؛ بنابراین در این روایت قرینه‌ای برای حمل بر تقیه وجود دارد و اینکه این در خصوص اقتدا به جماعت اهل سنت است و نباید حکم این روایت را به جاهای دیگر تعمیم داد.

نقد روایات دال بر جواز

سند و دلالت روایات یادشده بر جواز تمام است و این روایات می توانند دلیل اصلی جواز قرائت سوره سجده در نماز باشند. تنها ایرادی که بر این روایات وارد است، تعارض آنها با روایات دال بر حرمت است.

جمع بین روایات

به دلیل تعارض بین دو دسته از روایات، فقها برای جمع بین این روایات راه‌های متفاوتی ذکر کرده‌اند. در ادامه این راه‌ها و نقد آنها می آید.

الف) حمل روایات جواز بر تقیه

اولین راه حل ارائه شده حمل روایات جواز بر تقیه و فتوا به عدم جواز است که از بسیاری از فقها صادر شده است. کسانی که این راه را رفته‌اند می گویند امام(ع) این

جواز را برای بیان حکم الله مطرح نکرده، بلکه در مقام تقیه بوده است؛ بنابراین این روایات قابل استناد نیست.

نقد و بررسی حمل بر تقیه

اینکه روایتی برای تقیه صادر شده باشد، خلاف اصل است و نیاز به دلیل و دست‌کم قرینه دارد و در صورت نبود قرینه یا شک در قرینه‌بودن موجود، نمی‌توان این توجیه را پذیرفت، بلکه باید گفت روایت برای بیان حکم الله صادر شده است. در بحث حاضر باید گفت اینکه روایات به صورت تقیه‌ای صادر شده باشند، قرینه ندارد، بلکه قرائنی برخلاف آن وجود دارد که بیان می‌شود.

اول: اصل اراده معنای ظاهری از سخن

اصل این است که روایت برای بیان حکم خدا صادر شده است و صدور آن برای تقیه یا با هدفی دیگر خلاف این اصل است. این اصلی عقلایی و حوزه کاربرد آن شک در جهت صدور است. مؤید این مطلب تصریح بعضی از محققان است: «نوعاً ظاهر کلام هر متکلمی این است که کلامش بر طبق اراده‌اش بوده است و این اصلی عقلایی است که در صورت شک در جهت صدور بدان مراجعه می‌کنند» (کاظمی خراسانی، ۱۴۰۹: ۷۸۰-۷۷۹/۴) و مادامی که اراده خلاف از متکلم ثابت نشود، غیر قابل قبول است. در مورد روایات محل بحث نیز قرینه‌ای وجود ندارد.

دوم: عدم امکان حمل بر تقیه

تقیه در صورتی است که روایت صادرشده از امام، برخلاف اصل پذیرفته‌شده در بین افکار عمومی جامعه باشد؛ در حالی که دیگر مذاهب اسلامی به قرائت سوره عزیمه در نماز اصرار نمی‌ورزند و حتی در کتاب‌های معروفشان از قبیل *المغنی*، *المجموع*، *المنهجي*، *الام*، *الفقه علی المذاهب الخمسه* اصلاً این مسئله را مطرح نکرده‌اند. پس این سؤال مطرح می‌شود که آیا امام (ع) برای بیان چنین حکمی از باب تقیه، می‌توانسته انگیزه‌ای داشته باشد یا خیر. موافقت با کدام مذهب موجب تقیه است؟ به نظر می‌رسد مراد از عامه، روایت آنان نیست، بلکه نظریه رایج و غالب بین مردم و به تعبیر دیگر،

افکار عمومی است (ر.ک: غروی اصفهانی، ۱۳۷۴: ۳۷۴). شاهد این مطلب عبارتی است که در موثقه عبید بن زراره از امام صادق(ع) نقل شده است: «ما سمعته منی یشبه قول الناس فیہ التقیة وما سمعت منی لا یشبه قول الناس فلا تقیة فیہ»؛ از این روی محقق اصفهانی می‌گوید: «وقد عرفت انه لا دلیل علی سقوط الخبر - بمجرد الموافقة: دانستی که خبری به صرف موافقت با عامه از حجیت ساقط نمی‌شود» (همان: ۳۷۵).

پس ظاهراً نمی‌توان برای این امر، دلیل و توجیهی پیدا کرد؛ زیرا حمل روایت بر تقیه در صورتی است که افکار عمومی جامعه برخلاف نظر امام باشد، به گونه‌ای که امام بیان حکم واقعی را به مصلحت نداند؛ بنابراین با توجه به آنچه در مورد روایات حرمت بیان شد، یعنی ضعف این روایات و نیز با توجه به عدم ظهور حمل روایات صحیح بر تقیه، به نظر می‌رسد روایات صحیح دال بر جواز را نمی‌توان از نظر دور داشت.

سوم: تأیید مطلب با برداشت برخی از فقها

برخی از فقهای بزرگ امامیه، مانند محقق حلی، جواز قرائت سوره عزیمه را پذیرفته‌اند و این می‌تواند مؤیدی باشد بر اینکه این روایات را نمی‌توان به صرف مخالفت با مشهور، ندیده گرفت.

ب) حمل روایات جواز بر نافله

دومین راه حل برای تعارض روایات، حمل روایات جواز بر نافله است؛ چنان‌که در بعضی از آنها به جواز در نافله، تصریح شده است (شهید اول، ۱۴۱۹: ۳/۳۲۴).

اشکال این حمل

این حمل غیر قابل توجیه است؛ زیرا بعضی از روایات در مورد قرائت عزیمه در نماز واجب‌اند و این روایات قرینه است که مراد از مورد جواز در دیگر روایات نیز همان نماز واجب است. در روایت علی بن جعفر آمده است: «سأل أخاه موسى عليه السلام عن الرجل يقرأ في الفريضة سورة والنجم، ايركع بها أو يسجد ثم يقوم فيقرأ بغيرها؟ قال: يسجد ثم يقوم فيقرأ فاتحة الكتاب ويركع، ولا يعود يقرأ في الفريضة بسجدة» (حر

همچنین دو روایت سماعه و عمار ساباطی در صورت اقتدا به امام جماعتی است که سوره سجده بخواند و سجده نکند (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۷۷۸/۴). نیک روشن است که نماز واجب را به جماعت می‌گزارند و نمی‌توان این روایت را در مورد نماز نافله دانست.

ج) حمل ادله حرمت بر کراهت

راه دیگر برای جمع بین روایات حمل روایات دارای نهی بر کراهت است که نتیجه آن کراهت خواندن سوره سجده در نماز واجب و کراهت‌نداشتن آن در نماز نافله است. این نهی با توجه به صحت ادله جواز و ضعف ادله حرمت که بیان شد و نیز شیوع به‌کارگیری نهی در کراهت (حائری، ۱۴۰۴: ۱۰۲؛ اصفهانی نجفی، ۱۴۲۹: ۳/۳؛ انصاری، ۱۴۱۹: ۹۹/۴)، بعید به نظر نمی‌رسد؛ زیرا نهی با وجود قری‌نه، به صورت مجاز در کراهت به کار می‌رود و این به‌کارگیری به حدی شایع است که بعضی به شک افتاده‌اند و گفته‌اند نهی مشترک بین تحریم و کراهت است و به‌کارگیری نهی در هر دو (کراهت و حرمت) حقیقت است (نجفی، ۱۳۶۵: ۳۶۰/۹).

برخی از فقهای معاصر نیز نهی موجود در حدیث علی بن جعفر (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۷۸۰/۴) را که یکی از ادله قائلان به حرمت است، حمل بر کراهت کرده‌اند. از دیدگاه این فقها، جواز قرائت سوره در نماز در نزد سائل، امری مفروغ‌عنه بوده است و امام (ع) فقط خواسته کراهت آن را اعلام کند. به نظر اینان این روایت را نمی‌توان حمل بر صورت سهو کرد و شامل خواندن عمدی سوره سجده نیز می‌شود (روحانی، ۱۴۱۲: ۴۵۲/۴).

نتیجه‌گیری

در بین فقهای اهل سنت دیدگاه‌های متفاوتی در مورد جواز یا کراهت قرائت سوره سجده در بین نماز وجود دارد. آنان عموماً قرائت سوره سجده را در نماز، گرچه مکروه می‌دانند، جایز برشمرده‌اند؛ هرچند بسیاری معتقدند سجده آن نباید در بین نماز انجام پذیرد؛ زیرا مستلزم سجده اضافی در نماز است. برخی از فقهای شیعه نیز بر این

نظریه‌اند؛ اما مشهور علمای امامیه این قرائت را جایز نمی‌دانند. ظاهر آیه بیست سوره مزمل نیز جواز قرائت هر یک از بخش‌های قرآن است، مگر دلیلی بر خارج شدن برخی از آنها وجود داشته باشد. روایات ائمه (ع) در این باره دو دسته‌اند: برخی از روایات بر حرمت دلالت دارند و برخی روایات صحیحه، جواز را می‌رسانند. روایاتی که دلالت بر حرمت دارند، دچار ضعف‌اند و روایات دسته دوم که روایات صحیحه‌اند، برخی در مورد نماز جماعت است و ممکن است چنین توجیه شود که در مقام بیان حکم سجده در نماز جماعت و اقتدا به ائمه جماعات اهل سنت باشند. از این روی نمی‌توان به آن روایت استناد کرد؛ اما دیگر روایات صحیحه را نمی‌توان لزوماً بر تقیه یا بر نافله حمل کرد؛ چون اصل صدور روایت برای بیان حکم الله است و حمل آنها بر جهتی غیر از بیان حکم واقعی، نیاز به دلیل و قرینه دارد.

از دیگر سوی، به نظر می‌رسد بتوان روایات دال بر حرمت را بر کراهت حمل کرد؛ چنان‌که در روایت علی بن جعفر که در مورد قرائت سوره نجم در نماز واجب سؤال شد، امام (ع) فرمود: «یسجدُ ثُمَّ یقومُ فِیقرَأُ بِفاتحهِ الکتابِ و یرکعُ و ذلکَ زیادهُ فی الفریضه و لا یعودُ یقرأُ فی الفریضه بسجده» (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۷۸۰/۴). در این روایت امام (ع) با اینکه می‌فرماید پس از سجده، فاتحه را دوباره بخوانید و ادامه بدهید که به صحت حکم فرموده، بعد در پایان از خواندن سوره سجده نهی فرموده است و این مسلم است که امام (ع) در مقام تقیه نبوده است. ایشان اگرچه از آن نهی کرده، حکم به صحت نماز کرده است؛ بنابراین می‌توان صدر روایت را که حکم به صحت است، قرینه‌ای برای حمل نهی موجود بر کراهت دانست. مؤیدی دیگر بر این مطلب روایتی است که از اهل سنت وجود دارد که می‌گوید پیامبر اکرم در نماز ظهر سوره سجده را تلاوت کرد (ابن قدامة، بی تا ج: ۶۵۴/۱).

پی‌نوشت‌ها

۱. وکذا لا یجوز قراءه إحدى السور العزائم فی الفریضه.
۲. علامه مامقانی می‌نویسد: «واذا قد عرفنها بان لک خلوها عن توثیق و غایه ما یمکن هو استفادۀ کونه امامی... ولذا اختلف الآراء فیه فمنهم من ضعفه کالجزایری حیث عدۀ فی قسم الضعفاء ومثله صاحب

صاحب المدارک...» (مامقانی، بی تا: ۱۷/۳). آیت‌الله خویی نیز می‌گوید: «لا يظهر له ای مدح من الكشي» و «وطريق الشيخ اليه كلها ضعيف» (خویی، ۱۴۱۳: ۲۹/۱۴).

۳. علامه مامقانی می‌گوید: «قال الشيخ في الفهرست عبدالله ابن البكير فتحى الا انه ثقه» و «ان الفقها قد اختلفوا في قبول رواية الرجل و عدمه فبنى جمع على عدم القبول؛ منهم المحقق في المعبر و الفاضل المقداد في التتقيح و الشهيد الثاني في المسالك و روض الجنان...» (مامقانی، بی تا: ۱۷/۳).

منابع

قران كريم

أبي ازهرى، عبدالسميع (بى تا)، الثمر الدانى فى تقرير المعانى، بيروت: المكتبة الثقافية.

آل شيخ راضى، محمدطاهر (۱۴۲۵ق)، بداية الوصول فى شرح كفاية الاصول، [بى جا]، ستاره.

ابن حاجب، عثمان بن عمر (۲۰۰۰م)، جامع الامهات، بيروت: اليمامة.

ابن حنبل، احمد (بى تا)، مسند احمد بن حنبل، بيروت: دار صادر.

ابن قدامة، عبدالله (بى تا الف)، الشرح الكبير، بيروت: دار الكتب العربى.

ابن قدامة، عبدالله (بى تا ب)، الكافي فى فقه الامام الميجل أحمد بن حنبل، بيروت: المكتب الاسلامى.

ابن قدامة، عبدالله (بى تا ج)، المغني، بيروت: دار الكتب العربى.

ابن نجيم، زين الدين (۱۴۱۸ق)، البحر الرائق، بيروت: دار الكتب العلميه.

ابوالبركات، أحمد الدردير (بى تا)، الشرح الكبير، تحقيق: محمد عيش، بيروت: دارالفكر.

ارديبيلي، احمد (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائدة و البرهان، تحقيق: اشتهاردى و عراقى، قم: جامعه مدرسین.

اصفهانى نجفى، محمدتقى (۱۴۳۹ق)، هداية المسترشدين، قم: مؤسسه النشر الاسلامى، ج ۲.

امام مالک (بى تا)، المدونة الكبرى، بيروت: دار احياء التراث العربى.

امامى، محمد (۱۳۸۶)، «بازكاوى عدم وجوب قرائت سوره كامل بعد از حمد در نماز»، مقالات و بررسى‌ها، ۱۳۸۷، ش ۸۵.

انصارى، مرتضى (۱۴۱۹ق)، فرائد الاصول، قم: مجمع الفكر الاسلامى.

بخارى، محمد بن اسماعيل (۱۴۰۱ق)، صحيح بخارى، بيروت: دار الفكر.

بهوتى، منصور بن يونس (۱۴۱۸ق)، كشف القناع، بيروت: دار الكتب العلميه، ج ۱.

جزيرى، عبدالرحمن (بى تا)، الفقه على المذهب الاربعه، قاهره: مكتبة البخارية الكبرى، ج ۳.

حائرى، عبدالكريم (۱۳۶۲)، كتاب الصلاه، قم: دفتر تبليغات اسلامى.

- حجتی، سیدمحمدباقر (۱۳۷۲)، تاریخ قرآن کریم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق)، وسائل الشیعه، تهران: المكتبة الإسلامية.
- حصفکی (۱۴۱۵ق)، الدر المختار، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- حطاب رعینی (۱۴۱۶ق)، مواهب الجلیل، بیروت: دار الکتب العلمیه، ج ۱.
- حکیم، سیدمحمدتقی، (۱۴۳۲ق)، الاصول العامة للفقهاء المقارن، تهران: المجمع العالمی لاهل البیت (ع).
- فخرالمحققین، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۷۸)، ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، تحقیق: کرمانی و اشتهاودی، قم: المطبعة العلمیه، ج ۱.
- حلی، حسن بن علی بن داود (۱۳۹۲ق)، کتاب الرجال، نجف: منشورات مطبعة حیدریه.
- حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر (بی تا)، تحریر الاحکام، مشهد: طوس.
- حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۴ق)، تذکرة الفقهاء، تحقیق: مؤسسه آل البیت، قم: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.
- حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۳ق)، مختلف الشیعه، تحقیق: مؤسسه النشر الاسلامی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۱.
- حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر (۱۳۳۳)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، تبریز: حاج احمد.
- حلی، علامه حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۰ق)، نهایة الاحکام فی معرفة الاحکام، تحقیق: سیدمهدهدی رجائی، قم: اسماعیلیان.
- حلی، محقق جعفر بن حسن (۱۳۶۴)، المعتبر فی شرح المختصر، قم: مؤسسه سیدالشهداء.
- خمینی، امام روح الله موسوی (بی تا)، تحریر الوسیله، قم: انتشارات قدس محمدی.
- خن، مصطفی و مصطفی البغا (۱۴۱۳ق)، الفقه المنهجي علي مذهب الامام الشافعي، دمشق: دارالقلم، ج ۴.
- خوبی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، کتاب الصلاة، قم: دارالهدی.
- خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۹ق)، محاضرات فی اصول الفقه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۱.
- خوبی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، معجم رجال الحديث، قم: منشورات مدينة العلم، ج ۵.
- دسوقی (بی تا)، حاشیة الدسوقی، [بی جا]، دار احیاء الکتب العربیه.
- رافعی، محمد عبدالکریم (بی تا)، فتح العزیز فی شرح الوجیز، بیروت: دارالفکر.
- رعینی، محمد بن محمد (۱۹۹۵م)، مواهب الجلیل، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- روحانی، سیدمحمدصادق (۱۴۱۲ق)، فقه الصادق، قم: مؤسسه دار الکتب.

- زبیدی، سیدمحمد مرتضی (۱۳۸۹ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالهدایه.
- سمرقندی، علاءالدین (۱۴۱۴ق)، تحفة الفقهاء، بیروت: دار الکتب العلمیه، ج ۱.
- سیوطی رحیبانی، مصطفی (۱۹۶۱م)، مطالب اولی النهی فی شرح غایة المنتهی، دمشق: المکتب الاسلامی.
- شافعی، محمد بن ادريس (۱۴۰۳ق)، کتاب الام، بیروت: دار الفکر، ج ۲.
- شهید اول، محمد بن جمال‌الدین مکی عاملی (۱۴۱۴ق)، الدروس الشرعیة، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۱.
- شهید اول، محمد بن جمال‌الدین مکی عاملی (۱۴۱۹ق)، ذکرى الشیعة فی احکام الشریعة، قم: ستاره.
- شهید ثانی، زین‌الدین جبعی (بی‌تا)، روض الجنان فی شرح ارشاد الازهان، قم: مؤسسه آل‌البتیة لاحیاء التراث.
- طباطبایی، سیدعلی (۱۴۱۴ق)، ریاض المسائل، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۰۸ق)، مجمع البحرین، [بی‌جا]، مکتب النشر الثقافة الاسلامیة.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن (۱۳۶۳)، الاستبصار، قم: دار الکتب الاسلامیة، ج ۴.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن (۱۴۰۹ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن (۱۳۶۵)، تهذیب الاحکام، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ج ۴.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن (۱۴۱۷ق)، الخلاف، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ج ۱.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن (بی‌تا)، النهایة فی مجرد الفقه والفتوی، بیروت: دار الاندلس.
- عاملی، سیدمحمد (۱۴۱۰ق)، مدارک الاحکام، قم: مهر، ج ۱.
- عربی قروی، محمد (بی‌تا)، الخلاصة الفقهیة علی مذهب السادة المالکیة، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- عبدری، محمد بن یوسف (۱۳۹۸ق)، التاج والإکلیل لمختصر خلیل، بیروت: دار الفکر، ج ۲.
- عینی، محمد بن احمد (بی‌تا)، عمده القاری شرح صحیح بخاری، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۴۳۰ق)، دراسات فی الأصول، قم: مرکز فقه الاثمه الاطهار(ع).
- فاضل هندی، بهاء‌الدین محمد بن حسن (۱۴۰۵ق)، کشف اللثام، قم: مکتبه آیه‌الله مرعشی.
- فاضل هندی، بهاء‌الدین محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، کشف اللثام، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، تحقیق: مهدی مخزومی، قم: مؤسسه الهجرة، ج ۲.
- قزائنی، محسن (۱۳۸۴)، تفسیر نور، تهران: انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج ۱۱.

- کاشانی، ابوبکر بن مسعود (۱۴۰۹ق)، *بدايع الصنائع في ترتيب الشرايع*، پاکستان: المكتبة الحبيبية.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸)، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۱.
- مامقانی، عبدالله (بی تا)، *تنقیح المقال في علم الرجال*، نجف: المطبعة المرتضوية.
- ماوردی، علی بن محمد (بی تا)، *الحاوی الکبیر*، بیروت: دار الفکر.
- مجلسی، محمدباقر (۱۹۸۳م)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسة الوفاء، ج ۲.
- مرغینانی، محمود بن احمد (۱۴۲۴ق)، *المحیط البرهانی فی الفقه النعمانی*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ملیباری الهندی (۱۴۱۸ق)، *فتح المعین*، بیروت: دار الفکر.
- موسوی بجنوردی، محمد بن حسن (۱۴۰۱ق)، *القواعد الفقهیة*، تهران: عروج، ج ۳.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۵)، *جواهر الکلام فی شرح شرايع الاسلام*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ج ۳.
- نراقی، احمد بن محمد (۱۴۱۵ق)، *مستند الشیعه*، قم: مؤسسة آل البيت.
- نووی، محیی الدین (بی تا)، *المجموع فی شرح المهذب*، بیروت: دارالفکر.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج (بی تا)، *صحیح مسلم*، بیروت: دار الفکر.